

## The Elements of Public Participation in Traditional Cities to Achieve Social Sustainability

Najme Malekpour<sup>1</sup> 

1. Architecture faculty, Azad University, Yazd, Iran. n.malekpour@znu.ac.ir

### Article Info:

**Article type:**  
Research Article

**history:**  
**Received:**  
2023/7/25

**Received:**  
2023/10/4

**Accepted:**  
2023/12/6

**Published:**  
2024/1/5

### Keywords:

public participation,  
human values,  
traditional city, social  
stability.

**A**bstract: Achieving social sustainability is crucial in contemporary cities, and public participation is one of the solutions that emerges from an understanding of human values and the enhancement of man-made spaces. An examination of the urban context of traditional cities reveals signs of public participation at various levels. Public participation, particularly in urban public spaces, fosters social interaction, security, and social stability. Participatory architecture is recognized as a design approach; however, in many instances, similar to a political approach, it serves as a medium that facilitates social interactions. This study aims to introduce various forms of public participation and their approaches, such as participatory, community, and social architecture. By researching social activities in the public spaces of historical cities, the study seeks to understand how people engage in these spaces and the impact of this engagement on the social sustainability of the city. The hypothesis is that despite the changes in the political and social systems of modern cities and the new concepts of contemporary public participation, the patterns and elements of past public participation can be classified and compared with contemporary concepts. Understanding the elements of public participation in historical urban contexts is not merely a design approach; as a social event, analyzing these public activities and their interactions with the built environment can provide valuable case studies representing solutions for participatory architecture. Yazd is one of these historical cities. Researching the historical context of the city, surveying public activities in various open spaces, and engaging with residents reveal how the quality of these activities and spaces has evolved over time. The conclusion demonstrates how these insights can contribute to the reconstruction and rehabilitation of the historical context of cities through public participation.

**Cite this article:** Malekpour, N. (2024). Synoptic-Dynamic Analysis of Moisture Flux Associated with Heavy Rainfall Events in Iran via IDV Software Utilization, *Architectural & Environmental Research* 1(1), 25-49. <https://doi.org/10.30470/jaer.2018.32725>

© The Author(s).

**Homepage:** [cccd.znu.ac.ir](http://cccd.znu.ac.ir)

**Publisher:** University of Zanjan





## تبیین مؤلفه های مؤثر مشارکت مردمی در شهرهای سنتی برای دستیابی به پایداری اجتماعی

نجمه ملک پور<sup>۱</sup>

۱. مدرس گروه معماری، دانشگاه آزاد، واحد یزد، n.malekpour@znu.ac.ir

**چکیده:** یکی از دغدغه های زندگی شهرنشینی در شهرهای امروزی ما رسیدن به پایداری اجتماعی بوده و مشارکت شهروندی راه حلی برای رسیدن به این پایداری است. در جریان این مشارکت، توجه به ارزش های انسانی و کیفیت بخشیدن به فضاهای انسان ساخت از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه به نظر می رسد که بهره گیری از مشارکت مردمی در جریان معماری و شهرسازی نیز مانند بسیاری از جریان ها و رویکردها، از کشورهای غربی و پیشرفته سرچشمه گرفته و سپس در کشورهای درحال توسعه مورد استقبال و یا تقلید قرار گرفته است، اما با نگاهی دقیق تر به کیفیت معماری و شهرسازی شهرهای سنتی می توان گونه هایی از مشارکت فعال مردمی در سطوح مختلف را بازشناسی کرد. مشارکتی که به ویژه در فضاهای عمومی شهری نمود پیدا کرده و موجب افزایش سطح تعاملات اجتماعی، امنیت و در نتیجه پایداری اجتماعی شده است. آنچه این پژوهش به دنبال آن است تبیین جایگاه مشارکت مردمی در شهرهای سنتی ایران است؛ بنابراین ابتدا به بررسی و شناخت انواع مشارکت و سطوح مطرح شده آن در دهه های اخیر پرداخته و پس از بررسی رفتارها و فعالیت های اجتماعی در نمونه ای از بافت های تاریخی، مؤلفه های مؤثر بر مشارکت در شهرهای سنتی را معرفی و به مقایسه آن با رویکردهای مطرح شده معاصر می پردازد. بررسی و شناخت این رفتارها، تحلیل، ریشه یابی و بررسی ارتباط متقابل آن با محیط مصنوع، می تواند به عنوان یک نمونه موردی موفق در معماری مشارکتی راهگشا بوده و منجر به ارائه راهکارهایی شود.

**اطلاعات مقاله:** پژوهشی

**تاریخ ها:**

**دریافت:** ۱۴۰۲/۵/۳

**بازنگری:** ۱۴۰۲/۷/۱۲

**پذیرش:** ۱۴۰۲/۹/۱۵

**انشار:** ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

**واژگان کلیدی:**

مشارکت مردمی، ارزش های انسانی، شهر سنتی، پایداری اجتماعی.

**استناد:** ملک پور، نجمه (۱۴۰۲). تبیین مؤلفه های مؤثر مشارکت مردمی در شهرهای سنتی برای دستیابی به پایداری اجتماعی. پژوهش های معماری و محیط، ۱۱(۱)، ۲۵-۴۹. <https://doi.org/10.30470/jaer.2018.32725>، © نویسنده گان .

**DOI:** <https://doi.org/10.30470/jaer.2018.32725>

**Homepage:** [jaer.znu.ac.ir](http://jaer.znu.ac.ir)



## مقدمه

رویکرد سیاسی، مشارکت به‌عنوان ابزاری است که تعاملات اجتماعی را ارتقا می‌بخشد. دیدگاه مشارکتی به دلیل تأثیر فزاینده بر پایداری محیطی و پاسخ‌گویی مطلوب‌تر به نیازهای انسانی، روز به روز جایگاه خود را در نظریات شهرسازی مستحکم‌تر می‌کند (حیبی، ۱۳۸۵). بررسی و شناخت رفتارهای مشارکتی در فضاهای شهری شهرهای سنتی (نه به‌عنوان رویکردی جهت طراحی بلکه به‌عنوان یک اتفاق اجتماعی)، تحلیل و ریشه‌یابی این رفتارها و ارتباط متقابل آن با محیط مصنوع، می‌تواند به‌عنوان بررسی یک نمونه موردی موفق در معماری مشارکتی راهگشا بوده و منجر به ارائه راهکارهایی هرچند کلی شود.

### پیشینه تحقیق، روش و فرضیه‌ها

تلاش برای رسیدن به عدالت اجتماعی در جوامع امروزی غیرقابل‌انکار است. ریشه‌های این جریان را می‌توان در دهه ۶۰ میلادی جستجو کرد. اعتراضات سیاسی، شورش‌های دانشجویی و جنبش‌های اجتماعی آغاز شده در این دهه، موقعیتی جدید برای ارتقای

امروزه زندگی در جوامع شهری مدرن دارای پیچیدگی‌های فراوان از جمله ارتباط بین شهروندان با یکدیگر و با مسئولان شهری، تعریف وظایف، اختیارات و تعهدات هریک از شهروندان است. اما آنچه مسلم است، هر جامعه از آغاز شکل‌گیری دارای اهداف و ارزش‌هایی مشترک بین افراد خود بوده که همراه با رشد جامعه، تغییر و رشد کرده و گاه کم‌رنگ شده‌اند. یادآوری و بازتعریف اهداف و ارزش‌های مشترک میان شهروندان یکی از مؤلفه‌های معماری مشارکتی است که در دهه‌های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است. مباحث مشارکت جمعی در معماری از سال ۱۹۶۰ آغاز شد و به تدریج توسعه یافت. در این زمینه، اهمیت مشارکت دادن افراد در فرایند تصمیم‌گیری برای محیطی که در آن زندگی می‌کنند، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. هدف از مشارکت، همیشه رسیدن به راهکار طراحی محیطی نیست؛ بلکه در برخی از الگوها و مدل‌های ارایه شده به‌ویژه در

ارزش‌های اجتماعی فراهم آوردند. از جمله مهم‌ترین اهداف این جنبش‌ها، توسعه عدالت اجتماعی و مشارکت دادن هرچه بیشتر طبقات پایین جامعه در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی بود.

مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی در قالب اعطای حق رأی مساوی به همه شهروندان، اصلی پذیرفته شده در تمام کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. اما مدت‌ها طول کشید تا مفهوم مشارکت از حوزه سیاست و فرهنگ خود را به حوزه برنامه‌ریزی و طراحی برساند. مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت (عباس‌زادگان، ۱۳۹۰). از اواخر دهه ۱۹۵۰، مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی مطرح شد. بحث‌های مشارکت جمعی در معماری ابتدا موضوع سال‌های ۱۹۶۰ میلادی بود. برنامه‌های دولتی در این سال‌ها، متوجه مشارکت ساکنان و از

سوی دیگر متخصصانی بودند که تصمیم‌های کلیدی را می‌گرفتند و بودجه‌ها را کنترل می‌کردند. پروژه‌های طراحی مشارکتی در سال‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، در بسیاری از نمونه‌ها متوجه افراد طبقه پایین یا محلات قدیمی با درآمد اقتصادی به نسبت پایین بود (اسلامی، ۱۳۹۲).

در کشور ما نیز در سال‌های اخیر، پروژه‌هایی با عنوان مشارکتی مطرح شده که نشان‌دهنده ارزشمند دانستن این رویکرد است. اما از آنجا که مشارکت مفهومی بسیار سیال و متنوع است، میزان مشارکتی بودن طرح‌ها باتوجه به شرایط حاکم بر آن‌ها بسیار متغیر است. از این رو باید ملاک‌های عینی مشخصی برای ارزیابی مشارکتی بودن طرح‌ها وجود داشته باشد؛ تا از آن طریق میزان موفقیت طرح‌های مشارکتی را بتوان سنجید (حبیبی، ۱۳۸۵). به این منظور این نوشته، با استفاده از روش توصیفی و مراجعه به اسناد و مدارک موجود به بررسی مفاهیم، سطوح و رویکردهای مطرح شده در ارتباط با معماری مشارکتی پرداخته و سپس با

### مفهوم مشارکت و سطوح آن

مشارکت مردمی در امور اجتماعی مفهومی است گسترده و تعاریف مختلفی توسط صاحب‌نظران در این باره ارائه شده است: مشارکت وسیله‌ای است برای تبدیل یک شهرنشین بی تفاوت به یک شهروند. یعنی تبدیل شهرنشین به انسانی که با محیط خود ارتباطی ذهنی عاطفی داشته باشد و مسئولیت بهسازی محیط خود را در یک همیاری مستمر با دیگران بدیهی پندارد (پاکزاد، ۱۳۸۲). مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند (طوسی در پاکزاد، ۱۳۸۲). مشارکت عاملی است که جامعه‌ی منفعل را به جامعه‌ای پویا، فعال و پایدار تبدیل می‌کند. امروزه مشارکت در معماری و شهرسازی دارای رویکردها، حوزه‌ها و سطوح مختلفی است. سه رویکرد شناخته شده در مشارکت مردمی در معماری، معماری مشارکتی<sup>۱</sup>، معماری اجتماعی<sup>۲</sup> و معماری جمعی<sup>۳</sup> هستند

نگاهی درون‌فرهنگی، بر مبنای تحقیقات میدانی شامل مشاهده‌های عمومی و تشخیصی و مصاحبه با ساکنان در بافت سنتی شهر یزد به استخراج مؤلفه‌های مشارکت بر مبنای دو مؤلفه<sup>۴</sup> شناخت ارزش‌های انسانی و کیفیت‌های محیط مصنوع می‌پردازد. پس از آن با دسته‌بندی این مؤلفه‌ها و تطبیق سطوح و رویکردهای شناخته شده در گذشته و حال تلاش می‌کند پیشنهادهایی را به عنوان معیار ارزیابی ارائه دهد.

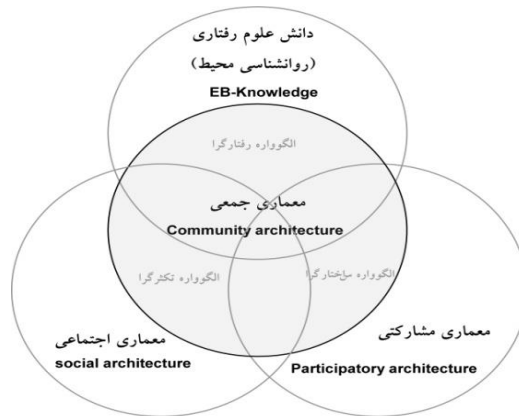
باتوجه به دو مفهوم مطرح شده و مورد بحث، یعنی مشارکت و پایداری اجتماعی، فرضیه پژوهش به این صورت مطرح می‌شود: با وجود تغییرات ایجاد شده در نظام سیاسی و اجتماعی و نوپا بودن مفاهیم و تعاریف معاصر مشارکت، الگوها و مؤلفه‌های مشارکتی گذشته قابل شناخت و دسته‌بندی بر مبنای رویکردها و سطوح معاصر بوده و در نهایت قابل تطبیق و اجرا با مفاهیم امروزی است.

3- Community architecture

1- Participatory Architecture

2- Social Architecture

(کامل نیا، ۱۳۸۸). بر اساس تعاریف، معماری مشارکتی و اجتماعی، کاربردی و عملگرا بوده و کاربران آن قشر فقیر و کم درآمد آن هم در مرحله‌ی اجرای پروژه می‌باشند. در صورتی که معماری جمعی، انسان‌محور و رفتارگرا است و کاربران آن گروه‌های اجتماعی با علایق مشترک هستند. در معماری جمعی فهم و دریافت ارزش‌های فرهنگی کاربران در اولویت قرار گرفته و هدف آن بالابردن احساس جمعی از خلال فرایند مشارکتی در طراحی است (تصویر ۱).



تصویر(۱): مدل مفهومی معماری جمعی و ارتباط آن با دیگر رویکردهای مشارکتی در معماری (کامل نیا، ۱۳۸۸)

رویکرد معماری جمعی در جست‌وجوی برقراری پیوند میان گرایش‌های بومی‌گرایی با نیازهای مدرن جامعه‌ی امروز خود است (اسلامی، ۱۳۹۲: ۷۰). هر رویکرد در حوزه‌های مختلفی مانند علوم سیاسی، علوم اجتماعی یا مطالعات روانشناسی محیط تعریف شده است (جدول ۱). از این میان مشارکت سیاسی<sup>۱</sup> بالاترین سطح قدرت و اختیار را دارد و تصمیمات در این سطح کلی و کلان است. مشارکت اجتماعی و محلی در سطح پائین قدرت است؛ اما تصمیمات در این سطوح اجرائی و عملیاتی هستند. قلمروی هر یک از حوزه‌ها نیز با هم

تأمین اعتبار مالی پروژه سهیم هستند. در مشارکت محدود، نظرسنجی از شهروندان صورت گرفته؛ اما هیچ نظارتی از جانب مردم بر اجرای تصمیمات صورت نمی‌گیرد. در مشارکت واقعی تبادل اطلاعات کاملاً دوسویه بوده و مردم علاوه بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، حق نظارت بر اجرای خواسته‌های خود را نیز دارند (همان). مهم‌ترین نکته این که در این طرح‌ها، مشارکت علاوه بر اینکه موجب بهبود کیفیت طرح می‌شود، موجب رشد فکری، اجتماعی و مدنی شهروندان نیز هست.

م تفاوت است. قلمروی مشارکت سیاسی، قدرت؛ مشارکت اجتماعی، فرهنگ و مشارکت محلی، مکان است (حبیبی، ۱۳۸۵). سطوح مشارکت عبارت‌اند از تبادل اطلاعات و مشاوره میان مردم و مسئولین، استفاده از نظرات مردم در تمام مراحل تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری نهایی با مردم و اجرای این تصمیمات. بر همین اساس دکتر حبیبی طرح‌های مدعی مشارکت در ایران را به سه دسته کلی مشارکت شعاری، مشارکت محدود و مشارکت واقعی تقسیم‌بندی می‌کند (همان). در مشارکت شعاری مردم در تصمیم‌گیری‌ها نقشی نداشته و تنها در

مشارکت				
معیارها	سطوح	رویکردها	مراحل	حوزه‌ها
ادعای مشارکت	مشارکت شعاری	معماری جمعی Community architecture	تصمیم‌گیری	سیاسی اجتماعی محلی
استفاده از سرمایه افراد				
مشاوره	شبه مشارکت			
استفاده از سرمایه و نظارت افراد	مشارکت واقعی			
نظارت شهروندان				
تصمیم‌سازی و اجرا				
معماری مشارکتی Participatory architecture			طراحی	
معماری اجتماعی Social architecture			اجرا	

جدول (۱): جمع‌بندی تعاریف مشارکت در شهرهای مدرن (منبع: نگارنده)

افراد امکان دستیابی به سعادت را داشته باشند، برعهده یک فرد یا گروه اجتماعی

**ارتباط مشارکت مردمی و پایداری اجتماعی**  
ایجاد یک جامعه شهری که در آن تمام

خاص نیست؛ بلکه نیاز به مشارکت تک تک افراد جامعه دارد. فارابی از جمله قدیمی ترین اندیشمندانی است که به نظریه پردازی درباره اجتماعات انسانی پرداخته است. بنا بر نظریه های او، انسان برای رسیدن به سعادت ناگزیر از زندگی در اجتماع است و لازمه زندگی اجتماعی نیز، تعاون و همکاری است. او بر تعاون میان افراد و مشارکت مدنی تأکید فراوان داشته و می گوید: "هر مدینه ای که هدف از اجتماع در آن، در حقیقت تعاون بر اموری باشد که موجب دستیابی افراد به سعادت شود، آن مدینه، مدینه فاضله است و اجتماعی که به سبب آن، همکاری برای وصول به سعادت انجام گیرد، آن اجتماع فاضل است..." (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۱). پویایی، تحرک و برخورداری از حق مشارکت در امور جمعی از ویژگی هایی است که از نظر فارابی شهروند مدینه فاضله از آن برخوردار است.

تعاریف ارائه شده نشان می دهد نتایج حاصل از مشارکت، با ویژگی های برشمرده شده برای جوامع پایدار شهری،

مطابقت و همخوانی دارد (تصویر ۲). گروهی از محققان در تعریف پایداری اجتماعی به چهار عنصر اصلی و تعیین کننده اشاره کرده اند: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت. در این معنا، مولفه هایی چون فرصت های برابر و توأم با پیشرفت برای تمام انسان ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت های برابر برای تمامی افراد به منظور ایفای نقش های اجتماعی به همراه امنیت، امرار معاش و ایمنی سکونت گاه های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، بنای سنجش پایداری اجتماعی قرار گرفته اند (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۳). علاوه بر آن مفهوم پایداری اجتماعی شامل دو مبحث برابری اجتماعی و پایداری اجتماعی محلی است. تساوی اجتماعی شامل دسترسی به خدمات و فرصت هاست، در حالی که پایداری اجتماع محلی شامل ابعاد فرعی زیادی مانند حس تعلق به محله، تعاملات اجتماعی و امنیت محله، کیفیت محیط بومی، رضایت از مسکن و مشارکت در فعالیت های جمعی مدنی است (همان،

روانشناسانه به معماری جمعی، یکی از مهم‌ترین عوامل طراحی جمعی، احساس جمعی است که دارای شاخصه‌هایی مانند عضویت، تأثیرگذاری، یکپارچگی و برآوردن نیازها و ارتباط حسی مشترک است (اسلامی، ۱۳۹۲). عضویت به معنای ارتباط داشتن با گروه اجتماعی و احساس تعلق داشتن به آن است. هرچه این احساس قوی‌تر باشد، باعث ارتقا سایر شاخصه‌ها نیز می‌شود. نتیجه‌ی این امر علاوه بر ایجاد اعتماد میان افراد، افزایش

(۷۶). شناخت راهکارهای مناسب جهت تحقق این ویژگی‌ها نیازمند مشارکت افراد بوده در سطوح مختلف اجتماعی است.

مشارکت مردم در اجرای طرح‌های شهری از ویژگی‌های شهرسازی انسان‌گرا است و هدف آن تأمین منافع بین گروه‌های مختلف مردم، مسئولین، سیاست‌گذاران و افراد ذی‌نفع و ذی‌نفع‌پذیر و دستیابی به یک محیط پایدار شهری است (عباس‌زادگان، ۱۳۹۰). محیط‌های



تصویر (۲): رابطه متقابل مشارکت مردمی و پایداری اجتماعی (ماخذ: نگارنده)

امنیت و انسجام اجتماعی که همه نشان از پایدار بودن اجتماع دارد، ایجاد همبستگی و احساس قدرت در میان افراد جامعه است. احساسی که باعث می‌شود افراد ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری

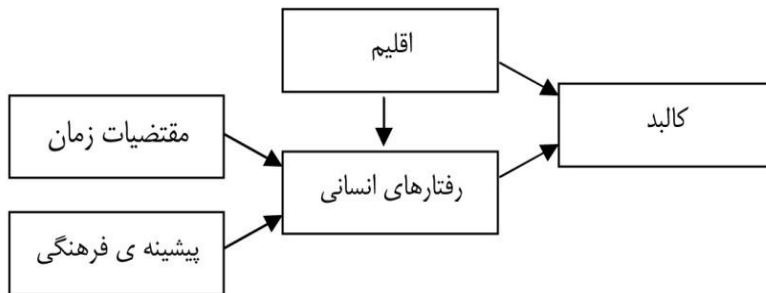
پایدار را تنها معماران و شهرسازان خلق نمی‌کنند، بلکه این محیط‌ها در اثر عشق و علاقه و توجه کسانی که در آن زندگی و کار می‌کنند خلق و نگهداری می‌شوند (عباس‌زادگان، ۱۳۹۰). در رویکرد

و زمان‌های دیگر را ندارد (احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). انسان سنتی را دیدگاه وی تعریف می‌کند و تفاوت دیدگاه سنتی و مدرن در نحوه نگرش به هستی است. در دیدگاه مدرن از منظر علم به هستی نگریده و تمام پدیده‌ها از این دریچه تفسیر و معنی می‌شود و هرچه در این چارچوب ننگند، بی‌معنا انگاشته می‌شود. اما در دیدگاه سنتی دریچه نظر به هستی دین است. یعنی انسان از طریق وحی به هستی می‌نگرد و آن را تفسیر می‌کند (همان). رشد طبیعی و ارگانیک

محیط زندگی خود بوده و در نگهداری آن مشارکت داشته باشند.

### مشارکت اجتماعی در شهر سنتی مؤلفه‌های مؤثر بر رفتار مشارکتی در شهر سنتی

منظور از شهر سنتی در این نوشتار، شهری است که کالبد بافت تاریخی و بخش‌هایی از فرهنگ عامه خود را حفظ کرده است؛ بنابراین محدوده مورد نظر در مباحث مطرح شده، شهرهای سنتی ایران در حدود یک قرن گذشته و با فرهنگ غالب عامه است. شهر سنتی دارای شکل خاصی نیست، یعنی نمی‌توان با یک شکل خاص،



تصویر (۳): ارتباط بین مؤلفه های مؤثر بر مشارکت در شهر سنتی (مأخذ: نگارنده)

شهر، گسترش محلات به صورت منسجم و در امتداد بافت موجود، حداقل دخالت در شکل زمین، قطعه‌بندی‌های نامنظم و تعامل فضاهای باز و بسته مهم‌ترین خصوصیات است که بافت شهرهای

شهری را سنتی کرد. انسان‌ها در شهر سنتی مهم‌ترین اعضای شهر هستند. کالبد و شکل سنتی شهر در پی مردم سنتی حاصل خواهد آمد. شکل حاصل آمده منحصر به فرد است. قابلیت تکرار در جاها

تصمیمات حکومتی و بدون مشارکت مردم، می‌توان شاهد پویایی، احساس تعلق و رضایت شهروندی بود. ویژگی‌های خاص این محلات و به‌هم‌پیوستگی آن‌ها باعث شده تا مشارکتی که از سطوح پایین اجتماع آغاز شده، به کل اجتماع تسری پیدا کند؛ بنابراین شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت در شهر سنتی، بر مبنای دو مؤلفه‌ی شناخت ارزش‌های انسانی و کیفیت‌های محیط مصنوع صورت می‌گیرد. مؤلفه‌های مربوط به کیفیت محیط مصنوع و تأثیر آن بر پایداری اجتماعی را می‌توان از باقیمانده کالبد این بافت‌ها استخراج کرد. اما از بین رفتن بخش زیادی از سرمایه‌ها و زندگی اجتماعی این بافت‌ها در دهه‌های اخیر، شناخت ارزش‌های انسانی مؤثر بر مشارکت و پایداری اجتماعی را مشکل‌تر می‌کند. شهر یزد به‌عنوان شهری سنتی با بافت تاریخی فعال و گسترده، نمونه‌ای مناسب جهت بررسی و مطالعه رفتارها و مؤلفه‌های مشارکت مردمی در گذشته این بافت است. علاوه بر دو عامل کالبد و

سنتی را از فضا‌های شهری جدید متمایز می‌کند. رشد شهر سنتی طی فرایندی شکل می‌گیرد که آن را نظم ارگانیک می‌خوانیم (یاراحمدی، ۱۳۷۸)، نظمی که به گفته الکساندر در مردم و با مردم رشد کرده و باعث ایجاد احساسات مشترک میان آنها است (الکساندر، ۱۳۸۶). از طرفی اندیشمندان سنت گرا با مبنا قرار دادن معماری گذشته سرزمین‌های اسلامی تمام رفتارهای معمارانه معماران سنتی را در معماری و شهرسازی واجد معنا می‌دانند (استرلن در احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). شناخت این رفتارهای انسانی می‌تواند در شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر رفتارهای مشارکتی، راهگشا باشد.

در دوره‌های گذشته تاریخ شهرهای ما قدرت‌های حاکمه در هر زمینه به‌گونه‌ای بلافضل اتخاذ تصمیم می‌کردند و تنها پس از انقلاب مشروطه و وضع قوانین جدید، حضور مردم در سطوح مختلف مشارکت (به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌ها) پررنگ‌تر می‌شود (فلامکی، ۱۳۶۷)، با این وجود باز هم در فضا‌های باز شهری شکل گرفته بر اساس

رفتارهای انسانی، اقلیم و عوامل وابسته به آن نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار بر رفتارهای مشارکتی شناخته می‌شود. از آنجا که هدف اصلی این نوشتار شناخت رفتارهای مشارکتی است، بنابراین شناخت عوامل اقلیمی به منظور تأثیر بر رفتارهای انسانی و شناخت کالبد و کیفیت‌های محیطی، به منظور شناخت ارتباط متقابل آن با رفتارهای انسانی صورت می‌گیرد.

امروزه دریافته‌ایم که ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای رشد فرهنگی و ایجاد روابط متقابل میان آدمیان ضرورتی حیاتی دارد. در واقع هر مکان تک عملکردی که تنها به خاطر خواستی واحد و ویژه شکل گیرد، به زودی کارایی خود را از دست خواهد داد. پرمایگی نمادینی که در معماری و شهر "سنت‌گرا" در مقابل معماری و شهر "صنعت‌گرا" مشاهده می‌کنیم، بر مبنای حداکثر ممکن هم‌جواری و هم‌زبانی بین کاربری‌های مختلف قرار گرفته است (یاراحمدی، ۱۳۷۸). در شهر سنتی غالب فعالیت‌های روزانه در سطح محلات اتفاق می‌افتد و

هر محله به عنوان یک کل، مکان‌های لازم برای زندگی را در خود دارد. تنوع در الگوهای رفتاری و فعالیت‌های مردمی یکی از ویژگی‌های شاخص کالبد فضاهای باز شهرهای سنتی است.

در بافت قدیم شهر یزد میدان‌های متعددی وجود دارد که مجموعه‌ای از بناهایی همچون مسجد، بازار، حمام، آب‌انبار و... را در خود جای داده‌اند. علاوه بر آن انواع فضاهای باز دیگری مانند پیشگاه، واشدگاه، لرد و... در بافت شهرهای سنتی شکل می‌گرفته است. روند شکل‌گیری هر یک از این فضاها متفاوت و وابسته به عوامل اقلیمی و رفتاری خاص خود است؛ اما مهم‌ترین وجه تشابه آن‌ها، فراهم آوردن مکانی برای حضور عموم و تحقق مشارکت است و در هر یک از انواع این فضاها، مشارکت مردمی در سطح خاصی شکل می‌گیرد. معابر تنگ و باریک با دیوارهای بلند و ساباط‌های سایه‌انداز اگرچه زائیده اقلیم سخت کویر است، اما شکل دهنده برخی رفتارهای اجتماعی است. پناه‌بردن به سایه ساباط‌ها در آفتاب سوزان کویر،

آن‌ها را به مکانی برای حضور افراد محله و مکث عابران و برقراری تعاملات تبدیل کرده است.

محدودیت منابع آب و ارتباطات در دل کویر، از دیگر ویژگی‌های شکل‌دهنده شهر سنتی است. این ویژگی باعث می‌شود که اقشار مختلف اجتماعی در یک محله در کنار هم گرد آیند. این اختلاف فرهنگی و طبقاتی در کالبد خانه‌ها قابل تشخیص است و برطبق نظر فرهنگی - اجتماعی راپاپورت، شکل خانه نتیجه عوامل اجتماعی و فرهنگی بوده و شرایط اقلیمی، سازه و روش‌های ساختمانی، عوامل درجه ۲ محسوب می‌شوند (معماریان، ۱۳۸۴). محدودیت منابع آب، عامل ارتباط اجتماعی نیز بود و ارتباطات گسترده‌ای را فراهم می‌کرد. صدها سال سکوی آب انبارها و حمام‌های عمومی، مکان‌هایی اجتماعی بودند. محلی مناسب جهت رد و بدل کردن اخبار محله (پاپلی یزدی، ۱۳۸۹). پیاده‌محور بودن ناشی از ویژگی‌های کالبدی بافت، باعث خوانایی هر چه بیشتر مسیرها و نزدیک بودن فضای کار و زندگی است.

به این معنی، در شهر سنتی اغلب محل کار از محل زندگی جدا نیست و نمی‌توان تفاوتی میان احساس تعلق و مسئولیت افراد نسبت به محل کارشان که معمولاً همان فضای شهری است با احساس آنها به خانه و محل زندگی‌شان قایل شد. از سویی پیاده‌محور بودن، باعث ایجاد امتداد فضایی در بافت است که منجر به یکپارچگی و به هم پیوستگی اتفاقات شکل گرفته در آن می‌شود.

### شاخصه‌های رفتار مشارکتی

برای شناخت شاخصه‌های رفتار مشارکتی در شهر سنتی، علاوه بر مراجعه به متون و بررسی تعاریف موجود از شهر سنتی، رفتارهای روزمره در فضاهای باز و عمومی موجود در بافت از پیشگاه خانه‌ها تا میدان‌های اصلی شهر مشاهده و از طریق مصاحبه با ساکنان قدیمی بافت، فعالیت‌های اتفاق افتاده در گذشته بررسی و شاخصه‌های رفتار مشارکتی از آن استخراج شده است. برخی از این رفتارها و مؤلفه‌ها، آگاهانه بوده و به صورت عینی در فضاهای شهری قابل مشاهده است، اما برخی ذهنی و بر مبنای اعتقادات و

آموزه‌های افراد است (جدول ۲).

عبارت‌اند از:

پایبندی به اعتقادات مذهبی: جامعه سنتی یک جامعه خدا محور است و نمود تفکر سنتی، تسلیم بودن در برابر امر خداوند در تمام شئون زندگی است (همان)؛ انسان سنتی با وجود نکات منفی زندگی از جمله سختی معیشت و گاه بی‌عدالتی‌های اجتماعی، قادر بود احساس تعلق و هویت را در خود تقویت نماید. بدین ترتیب زندگی او به گونه‌ای صمیمانه با اشیا و مکان‌ها بستگی می‌یافت (یاراحمدی، ۱۳۷۸). براین اساس افراد در جامعه سنتی بنا بر اعتقادات و آموزه‌های

بر اساس تعاریف، شهر سنتی دارای ارتباطی همه‌جانبه، زمینی و آسمانی است؛ یعنی زمین، سایه آسمان است. هدف از شهر سنتی، ایجاد بستر مناسب برای هدایت انسان به کمال است و از آنجا که انسان دارای روح و جسم است؛ شهر سنتی نیز متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد و بنابراین قبل از برپایی شهر سنتی، بایستی انسان سنتی برپا شود. از این رو هدف در شهر سنتی برپایی کالبد شهر به تنهایی نیست (احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). به عبارتی

نحوه تحقق	مولفه های مشارکت در شهر سنتی	وجوه
آگاهانه	رعایت نظم اجتماعی	عملکردی-فضایی
	برپاداشتن سنت ها	
	حضورپذیری	
ناخودآگاه	نگاه کیفی برپایه اعتقادات	اعتقادی-ذهنی
	اعتماد برپایه روابط متقابل	
	نذورات و سرمایه گذاری در ساخت	

جدول(۲): دسته بندی نحوه مشارکت در شهرهای سنتی(مأخذ: نگارنده)

پیشینیان، خود را موظف به حضور در جامعه و سهیم شدن در امور اجتماعی می‌دانند.

ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی در تعامل مستقیم با یکدیگر هستند. از جمله شاخصه‌های اجتماعی در شهر سنتی

نذورات افراد محله تأمین می‌شده است، نوعی سرمایه‌گذاری بلاعوض. وجود اعتماد اجتماعی: رشد و توسعه همواره در سایه حداقلی از امنیت فراهم گردیده و همواره جستجوی امنیت از مهم‌ترین انگیزه‌ها و نیازهای انسان بوده است و مهم‌ترین نیاز همه اجتماعات محلی، ملی و منطقه‌ای به شمار می‌رود (یاری، ۱۳۹۱). احساس امنیت تحت‌تاثیر عوامل متعددی قرار دارد که یکی از این عوامل، اعتماد اجتماعی است. لزوم شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی افراد و در نتیجه آن روابط بین افراد، بیانگر مؤلفه مهمی به نام اعتماد اجتماعی در بین افراد است. اعتماد در ایجاد حس مشارکت و تعاون نقش موثری دارد و به مردم کمک می‌کند تا علایق و منافع خود را با امیال و علایق دیگران هماهنگ کنند (همان: ۴۵). در واقع اعتماد، اجازه می‌دهد افراد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و به این واسطه از اعتماد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی یاد می‌شود (کلمن در یاری، ۱۳۹۱). در شهرهای سنتی غالباً در بازار و در بین

برپاداشتن سنت‌ها: در شهر سنتی حضور افراد در جامعه عمدتاً به پیروی از رسوم و آیین پیشینیان و ناشی از اعتقادات مذهبی و تأکید بر زندگی جمعی در تمام ادیان است. پایبندی به مشارکت در برپایی آیین‌های دینی، فارغ از نوع دین، از خصلت‌های انسان سنتی است. علاوه بر فضاهای مذهبی و حسینیه‌ها و مشارکت عمومی در برپایی مراسم دینی، برخی فضاهای باز شهری از جمله واشدگاه‌هایی که در مقابل عنصری شاخص شکل گرفته‌اند؛ مانند فضای مقابل مسجد جامع یزد محلی مناسب برای برپایی مراسم ملی و حضور پیروان ادیان مختلف مانند مسلمانان، یهودیان و زرتشتیان در کنار یکدیگر است.

مشارکت در سرمایه‌گذاری: نوع متفاوتی از مشارکت که به‌ویژه در فضاهای مذهبی اتفاق می‌افتد، مشارکت داوطلبانهٔ افراد در سرمایه‌گذاری جهت ساخت این فضاها بوده که ریشه در اعتقادات مذهبی ساکنان بافت داشته است. باتوجه‌به تدریجی بودن ساخت‌وساز بخش مهمی از سرمایه‌موردنیاز توسط

کسبه این اعتماد اجتماعی قابل تشخیص است. در بازار و میدان های محلی مانند میدان خان یزد، کسبه و کاربران به عنوان سرمایه های اجتماعی، نسبت به کالبد و رفتارهای اتفاق افتاده در فضا احساس مسئولیت داشته و به تمامی اتفاقات، فعالیت ها و حتی رفت و آمدهای صورت گرفته در فضا واکنش نشان می داده اند. این امر ناشی از تعاملات فراوان در میان افراد است و امنیت و اعتماد اجتماعی را به ارمغان آورده و به تقویت و پایداری نظم اجتماعی می انجامد.

رعایت نظم اجتماعی: نظم اجتماعی حالتی است که در شرایط به وجود آمدن همبستگی میان افراد جامعه به دست می آید (یوسفزاده، ۱۳۸۵). به عبارتی دیگر درونی کردن ارزش های جامعه عامل نظم اجتماعی می شود (همان). به نظر دورکیم، عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی که علی رغم تغییرات در روابط ما و افرادی که سازنده آن است، استمرار می یابد، نظم اخلاقی است؛ شامل مجموعه ای از قواعد که بر روابط اجتماعی حکم فرماست. دورکیم نوعی از

همبستگی را با عنوان همبستگی ارگانیکی تعریف می کند؛ در این نوع همبستگی تنوع تخصص ها وجود دارد و افراد از نظر داشتن مهارت ها از یکدیگر متفاوت اند. همین تنوع عامل وابستگی متقابل و در نتیجه حفظ نظم می شود (همان). نظم اجتماعی در شهر سنتی برآمده از قانونی مدون نیست؛ بلکه ناشی از ارزش های اجتماعی و قراردادهای نانوشته بین افراد است. یکی از نمونه های این نظم، نظافت کوچه ها و محله ها توسط اهالی است؛ اهالی نسبت به محدوده ای از کوچه در اطراف پیشگاه و ورودی خانه نیز احساس تعلق داشته و نظافت آن را برعهده خود می دانستند. بر اساس اعتقادی قدیمی، هر روز پیش از طلوع آفتاب این فضا توسط ساکنان آب و جارو می شده، بنابراین صبح هنگام آغاز فعالیت های اجتماعی، فضای محله از لطافت، پاکی و رطوبت مطبوعی برخوردار بوده است. این نظم اجتماعی رهاوردی از مشارکت مردمی است که باعث کم شدن تنش ها و برخوردها شده و آسایش روانی، سلامت روابط و خشنودی شهروندان را در پی

دارد.

اتفاقات روزمره زندگی با کالبدی مناسب جهت فعالیت‌های متنوع، مبادلات کالاهای محلی، تعاملات شهر و روستا، فعالیت خرده‌فروشان و دوره گردان و...؛ تمامی این عوامل به‌عنوان کیفیت‌های فضایی، تمایل افراد به حضور در فضا را برمی‌انگیزد. در برخی از فضاهای باز شهری، تعدد عملکردها در کنار کیفیت‌های فضایی و بهره‌بردن از طبیعت، باعث الزام و تقویت حضور افراد در فضا می‌شود. فضای باز مقابل مسجد جامع یزد از این دسته است که علاوه بر جنبه مذهبی، مجاورت آن با کتابخانه، راسته رنگرزا و بافت مسکونی اطراف باعث شده در این فضا فعالیت‌های متعددی از جمله گذر، تجمع افراد و برگزاری مراسم مذهبی شامل جشن‌ها و عزاداری‌ها و استفاده کسبه جهت انجام فعالیت‌های روزمره صورت بگیرد.

### مشارکت در گذشته و حال

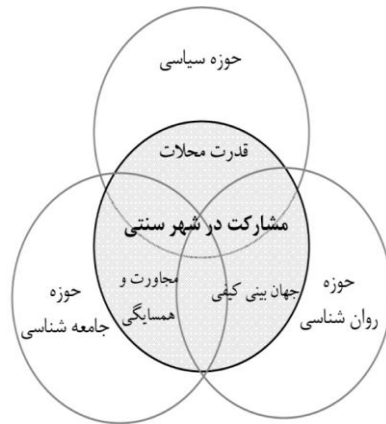
مقایسه مشارکت مردمی در امور اجتماعی در گذشته و حال شهرهای ما، از دو منظر صورت می‌گیرد؛ ابتدا معرفی حوزه‌های مطرح شده در مبانی نظری مشارکت و

حضورپذیری: یکی از ویژگی‌های شهر سستی، تغییر مدام جهت پاسخ به نیازهای جدید، ارتباط اجزا با هم و همه با کل، بهره‌گیری اجزا از طبیعت به‌اندازه و به‌جا و در نهایت هماهنگی نظامات در شهر و طبیعت است (احمدی دیسفانی، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در حضور پذیر بودن فضاهای شهری، ویژگی‌های کیفی و عملکردی فضاهای عمومی شهر و محله است. ویژگی‌های کیفی فضا باعث تمایل افراد به حضور در آن شده و ویژگی‌های عملکردی، افراد را ملزم به حضور در مکان می‌کنند. در خردترین مقیاس، پیشگاه خانه‌ها به دلیل مسقف بودن و وجود پیرنشین‌ها، کیفیتی مناسب جهت تعاملات افراد خانواده با همسایگان را فراهم می‌کند. پس از آن واشدگاه‌ها و لردها در طول مسیرها و کوچه‌های هر محله به‌عنوان میدانچه‌ای محلی، فضایی مناسب برای تجمع و حضور افراد محله و عابران ایجاد می‌کند. در مقیاسی بزرگ‌تر، میدان‌های محلی مطرح می‌شوند، مکانی برای تمامی

این رابطه بر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی است (حبیبی، ۱۳۸۵).

براین اساس می توان به قدرت محلات در شهرهای سنتی اشاره کرد، در این شهرها در سطح محله ها همبستگی و مشارکت در امور امری رایج بود. از دوران رضاخان که جامعه سنتی شروع به فروپاشی کرد، با کمک خیابان کشی های جدید، مقاومت محلات نیز از هم پاشیده (فلامکی، ۱۳۶۷) و قدرت و امکان بالقوه مشارکت محلی نیز نادیده گرفته شد و مدیریت محله به شهرداری که ارگانی دولتی بود، سپرده شد. سپرده شدن مدیریت محله و فضاهای عمومی آن به شهرداری و از سویی ثبت بافت ها به عنوان میراث فرهنگی باعث شد تا محله که در سابق یک حوزه عمومی بود، امروزه یک فضای دولتی قلمداد شود. امروزه عامه در مقایسه با گذشته، از وقت، آزادی و محیط فیزیکی گسترده تری برخوردارند. اما به جای استفاده از این مزایا، بیشتر اوقات خود را در گرفتاری، در هیجانات کاذب و در بی حوصلگی و بی قراری سپری می سازند. بدین ترتیب

بررسی مشارکت در شهرهای سنتی بر مبنای این حوزه ها (تصویر ۴) و سپس، دسته بندی مؤلفه های شناخته شده برای مشارکت در گذشته و بررسی نحوه تحقق این مؤلفه ها در گذشته و حال.



تصویر (۴): ارتباط و نقش حوزه ها و مولفه های مشارکت در شهر سنتی (مأخذ: نگارنده)

حوزه سیاسی به چگونگی توزیع قدرت در جامعه وابسته است و براین اساس مدل های متفاوتی از مشارکت را ارائه می دهد؛ از تسلط گروهی خاص بر جریان مشارکت تا بالابردن میزان ارتباطات میان افراد و گروه های اجتماعی. اساس حوزه جامعه شناسانه همسایگی، مجاورت و ارتباطات افراد در یک اجتماع محلی است و حوزه روان شناسانه به دنبال کشف رابطه فرد با اجتماع و تأثیر نحوه

مقایسه مؤلفه‌های مشارکت در شهر سنتی و شهر امروزی		
شهر امروزی	شهر سنتی	مؤلفه‌های مشارکت
نگاه کمی	نگاه کیفی	جهان بینی و اعتقادات مذهبی
برپایی مراسم مذهبی	برپایی مراسم مذهبی و آیینی	پایبندی به سنت‌ها
کمرنگ شدن روابط و تعاملات	برپایه روابط متقابل و تعاملات	اعتماد اجتماعی
جهت بهره‌مندی از سود مشارکت	پرداخت نذورات و مشارکت در ساخت با کمترین توجه به منافع فردی	مشارکت در سرمایه‌گذاری
دولت مسئول	شهروندان مسئول	رعایت نظم اجتماعی
غیرفعال (passive)	فعال (Active)	حضورپذیری
الزام به حضور در فضا و رفع نیازهای روزمره	الزام به حضور در فضا، بهره‌مند شدن از کیفیات فضایی و برقراری تعاملات	

جدول (۳): مقایسه‌ی مشارکت در شهرهای سنتی و مدرن (مأخذ: نگارنده)

به این ترتیب زندگی خصوصی، به سمت جدا شدن از زندگی عمومی میل می‌کند (پوردیهیمی، ۱۳۸۲). علاوه بر آن تغییرات کالبدی، تغییر در ساختار جمعیتی جامعه و شالوده‌ی شکل‌گیری محله‌ها منجر به از بین رفتن همسایگی‌ها، روابط اجتماعی و مناسبات فامیلی محلات شده و نتیجه آن احساس بیگانگی و مشارکت‌گریزی افراد است. در حوزه روان‌شناسانه، افراد در جامعه سنتی خود را موظف به حضور در جامعه می‌دانند. اما امروزه تنها با کمیات سروکار داریم. آبادی‌های جدید ما دیگر کیفیت‌های فضایی "تراکم" و "بستگی" را دربر ندارند. بافت شهری از هم شکافته (یاراحمدی، ۱۳۷۸)، انسجام و یکپارچگی

مسئولیت‌های محیطی بر عهده‌ی مستحفظان بیگانه که عناوینی چون مدیریت حفاظت یا کمیته عمومی را یدک می‌کشند، رها گردیده است (یاراحمدی، ۱۳۷۸). هرچند هنوز عده‌ای از ساکنان این محلات تمایل به مشارکت در امور را دارند، اما بسیاری از این امور بر خلاف ضوابط تعیین شده جهت حفظ بافت‌های تاریخی بوده و نتیجه آن از بین رفتن شاخصه‌ی تأثیرگذاری و احساس جمعی است. در حوزه اجتماعی در دوران مدرن، معیارهای قدیمی رفتار تحت تأثیر ویژگی‌های این دوران دگرگون شده، در نتیجه روابط اجتماعی منزلت خود را از دست داده و افراد از هم فاصله می‌گیرند.

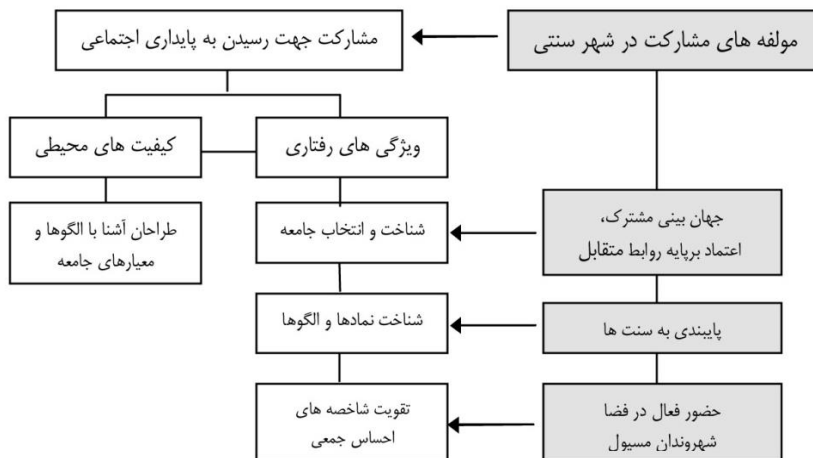
بافت شهری و در پی آن ارتباط افراد با مکان‌ها و با یکدیگر بیش از همیشه رنگ باخته است.

بیان مشارکت امروزی بر اساس مؤلفه‌های مشارکتی در شهرهای سنتی (جدول ۳) و مقایسه این رفتارها در گذشته و حال، نشان‌دهنده‌ی تغییر سطوح و حوزه‌های مشارکت در گذشته و حال است. برای برقراری ارتباط بین مؤلفه‌ها و حوزه‌های مطرح شده در گذشته و حال ارائه مدل‌های مشارکتی، مؤلفه‌های شناخته شده بر اساس حوزه‌های مطرح شده، دسته‌بندی می‌شوند. براین اساس نظم اجتماعی در حوزه‌ی سیاسی، پایداری

به سنت‌ها و وجود اعتماد میان افراد جامعه در حوزه جامعه‌شناسانه و جهان‌بینی افراد، سرمایه‌گذاری و حضور آنان در فضاهای شهری، در حوزه روان‌شناسانه بررسی می‌شود.

### بحث و پیشنهاد

برای بهره‌گرفتن از مشارکت برای رسیدن به پایداری اجتماعی توجه به دو مؤلفه اساسی ضروری است؛ ویژگی‌های رفتاری و کیفیت‌های محیطی (تصویر ۵). گام اول شناخت جامعه‌ی هدف و انتخاب جامعه‌ای محلی و کارآمد در فرایند مشارکت است. این امر به نوعی نظام‌مند



تصویر(۵): مشارکت مردمی جهت رسیدن به پایداری اجتماعی(مأخذ: نگارنده)

### نتیجه‌گیری

آنچه که امروزه در کشور ما به‌عنوان مشارکت اجتماعی مطرح می‌شود، مشارکتی است که نه در سطح محلات بلکه در سطوح کلان شامل برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها اتفاق می‌افتد. مشارکت غالباً به معنای قدرت‌یافتن شهروندان و تأثیرگذاری بیشتر آنان بر طرح‌های شهری است؛ اما امروزه در کشور ما مشارکت عمدتاً عبارت است از تأمین اعتبار مالی طرح. از طرفی نیاز همیشگی افراد به داشتن روابط اجتماعی پایدار و در سایه آن احساس امنیت و آسایش باگذشت زمان و حتی تغییر در جهان‌بینی و ساختار فکری جوامع، دچار تغییر نمی‌شود؛ بنابراین تلاش برای تقویت تعاملات و مشارکت افراد در سطوح پایین جامعه و در سطح محلات به‌عنوان راهکاری عملی مطرح می‌شود. به‌نوعی بازگشت به درون و نگاهی درون فرهنگی که برای دستیابی به آن می‌توان از الگوهای رفتاری و کالبدی شناخته شده در بافت‌های سنتی بهره برد. از این الگوها به‌ویژه می‌توان در احیای بافت‌های

کردن جریان مشارکت به شمار می‌آید. اساس انتخاب این جامعه دارا بودن اهداف، الگوها و احساسات جمعی مشترک است. گام دوم شناخت الگوهای مشترک، نمادها و آیین‌های جامعه است که برگرفته از پابندی افراد جامعه به سنت‌های پسنیدیده‌ی پیشینیان است. گام بعدی تقویت شاخصه‌های احساس جمعی مانند عضویت، تأثیرگذاری و... است که منجر به حضور فعال افراد می‌شود. در رابطه با کیفیت‌های محیط طراحی شده نیز، علاوه بر شناخت و بهره گرفتن از ویژگی‌های رفتاری و اقلیمی، انتخاب مسئولان و طراحان آشنا با معیارها و الگوهای جامعه موردنظر، علاوه بر تعامل بیشتر میان مسئولان و مشارکت‌کنندگان منجر به گونه‌ای مشارکت غیرفعال و یا تاویلی می‌شود که حاصل درک و شناخت عمیق طراح از جامعه است. نتیجه دیگر این شناخت و بررسی‌ها تبدیل یک فرایند صحیح مشارکتی به چرخه‌ای است که همراه با زمان پیش رفته و در احیای بافت‌های تاریخی و فرسوده راهگشا است.

تاریخی و بازسازی بافت‌های فرسوده بهره برد. در بافت‌هایی که سرمایه اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند، متخصصان آشنا با ساختار فرهنگی جامعه می‌توانند با مشارکت سرمایه اجتماعی بافت، کالبدی مناسب جهت افزایش تعاملات به وجود آورند. اما در بافت‌هایی که تعاملات اجتماعی در آن کم‌رنگ شده، گام اول تقویت مؤلفه‌های برشمرده شده برای مشارکت، بر اساس ویژگی‌های فرهنگی بافت مورد مطالعه است و سپس کالبدی مناسب با مشارکت سرمایه اجتماعی شکل گرفته می‌تواند ایجاد شود.

**حامی مالی:** این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.

**تعارض منافع:** طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

**برگرفته از پایان نامه/رساله:** این مقاله مستخرج از رساله / پایان نامه نمی باشد.

## منابع

- احمدی دیسفانی، یدا... و آبادی، محمدعلی (۱۳۹۰)، کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی؛ فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۹، صفحات ۳۰-۱۷.
- احمدی، زهرا (۱۳۸۹)، مطالعه نقش فضای باز در معماری سنتی ایران، جهت بهبود و ارتقای معماری معاصر؛ نشریه آبادی، شماره ۱۸، صفحات ۵۹-۵۲.
- اسلامی، غلامرضا و حامد کامل نیا (۱۳۹۲)؛ معماری جمعی از نظریه تا عمل؛ تهران: دانشگاه تهران.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰)؛ مشارکت مردم در شهرها؛ از مفهوم تا اجرا؛ تهران: ماهنامه شهرداریها، شماره ۱۰۲، صفحات ۲۹-۲۵.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۹)، شازده حمام؛ جلد اول و دوم، چاپ ششم، مشهد: پاپلی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۲)؛ بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی؛ نشریه صفا، شماره ۳۷، صفحات ۴۱-۲۵.
- پوراحمد، احمد، لیلا حبیبی و مریم جعفری (۱۳۹۱)؛ نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی؛ مجله باغ نظر، شماره ۲۱، صفحات ۲۰-۱۳.
- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۸۲)؛ فضای باز مسکونی؛ نشریه صفا، شماره ۳۶.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴)؛ آشنایی با معماری اسلامی ایران؛ تدوین غلامحسین معاریان، تهران: سروش دانش.
- حبیبی، سید محسن و هادی سعیدی رضوانی (۱۳۸۵)؛ شهرسازی مشارکتی: تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی؛ نشریه صفا، شماره ۴۳، صفحات ۶۸-۵۰.
- زارع شاه آبادی، اکبر، مسعود حاجی زاده میمنندی و خدیجه زارع بیدکی (۱۳۹۲)، سنجش پایداری اجتماعی در بین محله های قدیم و جدیدی شهر یزد؛ مجله مطالعات جامعه شناختی شهری، شماره هفتم، صفحات ۱۳۴-۱۰۵.
- شرفی، مرجان و ناصر برک پور (۱۳۸۹)؛ گونه شناسی تکنیک های مشارکت شهروندان در برنامه ریزی شهری، بر مبنای سطوح مختلف مشارکت؛ دوفصلنامه نامه معماری و شهرسازی، شماره ۴، صفحات ۷۷-۱۰۱.

- شفیعا، محمدعلی و سعید شفیعا (۱۳۹۱)؛ بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی؛ تهران: نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴۶، صفحات ۱۳۹-۱۶۴.
- ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹)؛ اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی اسلامی؛ تهران: فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی.
- عباس زادگان، مصطفی و محمدرضا خطیبی (۱۳۹۰)؛ خلق محیط های پایدار هویت مند در سایه مشارکت مردمی؛ تهران: ماهنامه شهرداریها، شماره ۱۰۲، صفحات ۱۰-۱۴.
- عزیززاده، هوشمند، کیومرث ایراندوست و مهنا برآور (۱۳۹۳)؛ سنجش پایداری اجتماعی محلات بر اساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض آباد شهر کرمانشاه)؛ نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۷، صفحات ۹۲-۷۳.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۶۷)؛ فارابی و سیر شهروندی در ایران؛ تهران: نشر نقره.
- کامل نیا، حامد و همکاران (۱۳۸۸)؛ رویکرد طراحی جمعی در معماری، تحلیل و بررسی تطبیقی معماری جمعی با معماری اجتماعی و معماری مشارکتی؛ نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۹، صفحات ۶۰-۴۶.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن؛ ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۶)؛ مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری؛ نشریه صفا، شماره ۴۴، صفحات ۷۵-۶۶.
- مشیری، فرخ (۱۳۹۰)، مدیریت مبتنی بر مشارکت مردمی در برنامه ریزی منطقه ای؛ نشریه صفا، شماره ۵۲، صفحات ۱۳۵-۱۵۳.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری؛ تهران: نشر سروش دانش.
- واعظ زاده، ساجده، اسدا.. نقدی و علی ایاسه (۱۳۹۴)، مؤلفه های پایداری اجتماعی در برنامه های توسعه ایران؛ مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره دوم، صفحات ۵۹-۴۵.

- یاراحمدی، امیر (۱۳۷۸)؛ به سوی شهرسازی انسان‌گرا؛ تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- یاری، حامد و جعفر هزارجریبی (۱۳۹۱)، بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)؛ نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره چهارم، صفحات ۵۸-۳۹.
- یگانگی، مجید (۱۳۷۵)؛ آشنایی با معماری اسلامی: پژوهشی در مورد میدان‌های قدیم یزد؛ یزد: مرکز اسناد دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.
- یوسف زاده، حسن (۱۳۸۵)، نظم اجتماعی در اسلام؛ نشریه معرفت، شماره ۱۰۳.